

خانندان بنی عباسیان بستک

(۱۱۵۰-۱۳۸۷ ه. ق.)

ساسان پیش‌رو^۱

چکیده

خانندان بنی عباسیان بستک خود را بازماندگان خلفای عباسی می‌پندارند و از اواخر عصر مغول در ناحیه جنوبی ایران و در پس کرانه‌های بندرلنگه در شهری به نام بستک مستقر شده و به تدریج موقعیت و جایگاه مهمی را در اقتصاد و سیاست منطقه به دست آوردند. این خانندان در طول تاریخ حضورشان در صحنه سیاسی جنوب ایران، در مقام مرزداران و پاسداران حریم کشور عمل کرده‌اند. تمرکز این پژوهش بر بازسازی و معرفی تاریخ محلی جهانگیریه و بستک است. برای رسیدن به این مهم به شیوه توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای، پس از بررسی جغرافیای طبیعی، انسانی و تاریخی جهانگیریه و بستک، به نحوه قدرت‌گیری این خانندان در منطقه جنوب و پس کرانه خلیج فارس پرداخته‌ایم.

واژه‌های کلیدی: بنی عباسیان بستک، جهانگیریه، بستک، خلیج فارس.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. کارشناسی ارشد تاریخ گرایش اسناد و مدارک آرشیوی دانشگاه تهران Pishro.sasan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۲۵



مقدمه

بستک، بندر نبوده و دور از خلیج فارس است ولی چون در طی تاریخ گذشته مخصوصاً سیصد ساله اخیر مرکز حکومت تمام بنادر و جزایر منطقه گاوبندی (پارسیان امروزی)، شیبکوه و بندرلنگه بوده و خوانین آن در بنادر نفوذ پیدا کرده در سیاست شرقی خلیج فارس دخالت داشته‌اند، جزء خلیج فارس محسوب می‌شود. بستک تحت تاثیر عوامل و شرایط دریایی خلیج فارس تغییراتی را پذیرفته است. مشایخ بنی‌عباسیان بستک از زمانی که شیخ محمد توسط کریم‌خان زند، لقب خانی گرفت به خوانین بستک تبدیل شدند.

جغرافیای طبیعی بستک

بستک اسم با مسمی است و کلمه بستک در ابتدا «بسته» اسم مفعول بستن بوده که در اثر کثرت استعمال حرف «ه» به حرف «ک» تبدیل شده است. خود شهر نیز از چهار طرف به فاصله‌ای بسیار نزدیک با کوه‌ها محاصره شده است. (موحد، ۱۳۸۴: ۷) شهرستان بستک در منطقه کوهستانی با مساحتی در حدود ۵۶۵۳/۴ کیلومتر مربع در حدود ۸/۴ درصد از مساحت کل استان هرمزگان را به خود اختصاص داده است. این شهرستان از شمال به شهرستان لار و از غرب به شهرستان لامرد و از جانب شرق به شهرستان بندر خمیرو از طرف جنوب به بندرلنگه محدود می‌شود.

بستک جزو محدود شهرستان‌های استان هرمزگان است که به دریا راه ندارد. از این رو آب و هوای آن همانند تمامی نواحی جنوب ایران گرم و خشک است. (افشارسیستانی، ۱۳۷۸: ۱۸۸) آب این شهرستان نیز تلخ و شور و دارای املاح گچی و گوگرد است که البته در برخی مناطق از جمله ایلود، فتویه، فاریاب و

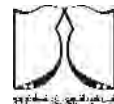
گوده چشمه‌های آب شرب و آب معدنی وجود دارد. در شهرها و روستاهای ساحلی مانند بندرعباس، بندر خمیر، بندر لنگه، بندرکنگ و غیره تا سواحل بوشهر از قدیم‌الایام تا کنون مردم به سبب عدم آب شیرین، در مسیر سیلاب، آب انبارهایی مخصوص جهت ذخیره آب باران می‌ساخته‌اند. به طوری که جهانگیریه قدیم و بستک امروزی و روستاهای آن نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. این آب انبارها در زبان محلی به «برکه» معروف است. (نوربخش، ۱۳۸۱: ۱۶)

رودخانه‌های این شهرستان از جمله رودخانه مهرا ن شور هستند. این رودخانه از بلندی‌های لامرد سرچشمه می‌گیرد و از جانب غرب بستک وارد روستاهای فرامزان، کمشک، جناح و جنوب صحرای خلوص، هرنگ و کوخرد می‌شود و سپس از طریق گذار مهرا ن که میان بستک و بندرلنگه واقع شده، به بندرلنگه وارد می‌شود. رودخانه دیگر بستک روخانه شور گوده است که آب آن نیز شور می‌باشد. این رودخانه از آب معدنی آنوه سرچشمه می‌گیرد و بعد از عبور از دهستان گوده و تنگ دالان به رودخانه کُل و سپس به خلیج فارس می‌ریزد. (عباسی، ۱۳۷۲: ۱۳)

با این حال در مسیر این رودخانه نواحی باتلاقی وجود دارد که پوشش گیاهی متناسب با آب و هوای این منطقه را به وجود آورده که عمده‌ترین گیاهی که پیرامون این رودخانه رویش دارد درخت گز و درختچه شه‌گز می‌باشد. (موحد، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۲)

موقعیت جغرافیایی دهستان جهانگیریه به شرح ذیل می‌باشد:

دهستان بستک: مرکز آن شهر بستک است. از سمت شمال به کوه گاه‌بست، از طرف جنوب به تنگ خور و جناح، از طرف مغرب به لاور میستان و زین‌الدینی و از سمت مشرق به کنارزرد و خس و دهستان لمزان.



دهستان گوده: شمالاً کوه بُر و کوه پر پُتُو، و جنوباً کوه بست‌قلات، کوه زنگارد و کوه بییان و از مغرب به براشت، گردنه پاسخند و صحرای باغ و از سمت مشرق به دشت جیحون، جیحون و کهورستان.

دهستان دژگان: از سمت شمال به کوه سیاه، از جنوب به دهستان بندرلنگه و بیخه لشتان، از مغرب به دهستان لمزان و از مشرق به بخش خمیر.

دهستان لمزان: از شمال به کوه بییان و از جنوب به کوه آنزَرِه، کوه دین، کوه دیده‌بان و بُن کوه و از مغرب به دهستان بستک و از مشرق به دهستان دژگان.

دهستان رویدر: از شمال به کوه شو و لارستان، از جنوب به کهورستان، از مغرب به دهستان گوده و از طرف شرق به بخش فین.

دهستان فرامرزان: از شمال به دهستان بستک، از جنوب کوه داربست و شیبکوه، از مغرب به گردنه خنجی و دهستان اشکنان و از سمت مشرق به کهتویه و جناح.

(عباسی، ۱۳۷۲: ۱۲-۱۳)

جغرافیای انسانی بستک

بستک در طول تاریخ حیات خود، مصایب طبیعی و غیرطبیعی فراوانی را متحمل شده، اما موقعیت ترانزیتی آن باعث شده است که جهانگیریه دیروز و بستک امروز را بر سر پا نگه دارد. و در این ارتباط، راه بازرگانی شیراز، جهرم، خنج، لار، بستک، جناح و بندر لنگه می‌باشد. منطقه بستک مردم خوش معامله داشته است و محله‌های بستکی در دبی، بندرلنگه، بندرعباس، و جزایر خلیج فارس به ویژه کیش گویای روابط مستحکم تاریخی - تجاری این مردم محسوب می‌گردد. به لحاظ زبانی مردم بستک با زبان لارستانیا گویش بستکی صحبت می‌کنند که از دسته زبان‌های پارسی جنوب غربی ایران است. به همین دلیل گویش مردم بستک

با دیگر نواحی استان هرمزگان متفاوت است. ولی بسیاری از میراث‌زبانی فارسی باستانی را در خود حفظ کرده است.

مردم بستک بیشتر پیرو مذهب تسنن شافعی می‌باشند. اعتقادات مذهبی چنان با علقه‌ها و خصلتهای فردی و اجتماعی مردم این منطقه عجین شده است که درستکاری، صداقت و انجام امور عام‌المنفعه را موجب گردیده است. البته فرهنگ مردم بستک و علاقه‌ای که به شهر و دیار خویش دارند نیز یکی دیگر از علل این مسئله است. به طور کلی اعتقادات مذهبی و فرهنگی درخشان باعث گردیده است که همواره به بزرگان فرهنگی و مذهبی احترام بگذارند.

جغرافیای تاریخی بستک

شهر بستک، مرکز شهرستان بستک است. بستک در طی دوران‌های مختلف، بیشترین تحولات را در حوزه جغرافیایی سیاسی-تاریخی داشته است. این منطقه در روزگاری تا سال ۱۳۳۴ شمسی، جزو شهرستان لار و سپس تا سال ۱۳۸۰ شمسی بخشی از بندرلنگه بوده و به لحاظ مرزی نیز پهنه متفاوتی داشته است. در قدیم رویدر، لمزان و دژگان جزو بستک بودند که طی دهه‌های شصت و هفتاد شمسی به همراه روستاهای تابعه از این شهر جدا شدند. رویدر در سال ۱۳۶۴ شمسی به بخش خمیر در شهرستان بندرعباس و لمزان و دژگان نیز در سال ۱۳۷۰ شمسی به بندرلنگه پیوستند.

تا پیش از تحولات مرزی شهرستان بستک، این منطقه به نام جهانگیریه معروف بود که شامل دهستانهای بستک، گوده، دژگان، لمزان، رویدر و فرامرزان بود و آسو، بستک، جناح، خلوص، فاریاب، کوهج، کوخرد، گتاو، گریند، لاور، میستان و هرنگ نیز جزو دهستان بستک بودند. ناحیه گوده شامل روستاهای آنوه، ایلو،



انجیردون، براش، برکه لاری، بیشه، پسقلات، پتو، تدر، ده تل، دهنگ، دالو و چابنارد بود.

ناحیه دژگان شامل روستاهای چاه احمد، دژگان، دوآب، سیه تک، سایه چش، کنخ، گنایی، گوبندی و گومیری و ناحیه لمزان نیز شامل انجیره، بدل و لمزان بود (که این نواحی از بستک جدا شدند و به شهرستان بندرلنگه پیوستند). ناحیه رودر نیز شامل روستاهای پرکان، رویدر، رودبار، کرو، کیشی، کیشو، گوین و نیکان است (که امروزه جزو شهرستان خمیر به شمار می آید). غربی ترین ناحیه بستک (جهانگیریه قدیم)، فرامرزان است که شامل روستاهای فرامرزان، پاتوه، داربس، ده نو، عالی احمدان، کهتو، گچو، کمشک، کنارسیاه، گزه و هنگو است (که جزو بخش جناح شهرستان بستک محسوب می شوند). (اقتداری، ۱۳۷۱: ۳۹-۴۰)

مهندس جمیل موحد در کتاب خود به نام بستک و خلیج فارس، در مورد بستک چنین مسطور کرده است: بستک، بندر نبوده و دور از خلیج فارس است ولی چون در طی تاریخ گذشته مخصوصاً سیصد ساله اخیر مرکز حکومت تمام بنادر و جزایر منطقه گاوبندی (پارسیان امروزی)، شیبکوه و بندرلنگه بوده و خوانین آن در بنادر نفوذ پیدا کرده در سیاست شرقی خلیج فارس دخالت داشته اند، جزء خلیج فارس محسوب می شود. (موحد، ۱۳۸۴: ۹)

شهر بستک در فاصله دویست و بیست کیلومتری بندرعباس و صد و ده کیلومتری شهرستان لار واقع شده است. به دلیل نزدیکی این شهرستان به لار و همچنین به خاطر ارتباطات بازرگانی و فرهنگی که از گذشته میان دو منطقه وجود داشته است، جغرافیا، تاریخ و فرهنگ این مناطق به هم پیوند خورده است. از این روست که هنوز هم ارتباطات تجارت و فرهنگی میان مردم این مناطق وجود دارد.

بستک از نظر جغرافیایی، در حد فاصل شهرستان‌های بندرلنگه و شهرستان لارستان قرار دارد و در حقیقت دروازه استان فارس به سوی خلیج فارس است و از قدیم الایام بر سر راه کاروانی قافله سالاران و کاروانیان تاجر پیشه قرار داشته و دارای موقعیت تجاری و بازرگانی بوده است. آثار کاروانسرای متعدد دوران صفویه، زند و قاجار در مسیر راههای بستک به بندرلنگه، بستک به بندرعباس و بستک به لارستان، مؤید این مدعاست.

موقعیت سیاسی خاندان بنی عباسیان بستکی

خوانین بنی عباسیان بستکی از سال ۱۱۵۰ قمری تا ۱۳۸۷ قمری به صورت مداوم حاکم منطقه بستک و جهانگیریه بوده‌اند. شکل‌گیری و تثبیت قدرت آنها را می‌توان به دو دوره تقسیم نمود: الف) دوران شکل‌گیری قدرت بنی عباسیان در بستک؛ ب) دوران تثبیت قدرت بنی عباسیان در جهانگیریه، بندرلنگه و لارستان.

الف) دوران شکل‌گیری قدرت بنی عباسیان در بستک

پس از آنکه هلاکوخان بر بغداد دست یافت بر اثر ایجاد قتل و غارت شهر بغداد و منقرض شدن خلافت بنی عباس، بزرگان و سران بنی عباسیان برای حفظ جان خود به ممالک و نقاط دیگر پناهنده شدند. در این میان که عده‌ای هم به سواحل جنوبی ایران که از فتنه مغول در امان بود، مهاجرت نمودند. دو سه برادری که بزرگتر آنها اسماعیل نام داشت به شیراز آمده و در قریه خنج از توابع لار که در آن زمان مرکز علما و فضلا بود، اقامت گزیدند و به بنی عباسیان و عباسیون مشهور شدند. (بنی عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۸-۹) مشایخ و خوانین بنی عباس نسب خود را به عباس بن عبدالمطلب

عموی پیامبر (ص) می‌رسانند. (بنی عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۲۸)



در روزگار شاه عباس اول، ولایت فارس به سردار کار دانش، الله وردی خان سپرده شد. وی حکومت مستقل ملوک لارستان را برانداخت و علاءالملک معروف به شاه ابراهیم خان به عنوان آخرین پادشاه مستقل لار، در مقابل وی کاری از پیش نبرد. به دنبال تصمیم شاه عباس مبنی بر بیرون راندن پرتغالی‌ها از جنوب ایران، امامقلی خان فرزند، الله وردی خان و از معروفترین سرداران شاه عباس صفوی، روانه جنوب گردید. در وقایع نگاری‌های این دوره به مناطقی چون هرنگ، کوخرد و پتو اشاره شده است، اما نامی از بستک در میان نیست. پس از پیروزی صفویان بر پرتغالی‌ها، مرکز تجارت خلیج فارس از جزیره هرمز به بندرعباس منتقل گردید. در این زمان بستک همچنان بر سر راه ارتباطی و مبادلاتی کالاهای بازرگانی و به ویژه ادویه از بندرعباس به لار، شیراز و سپس اصفهان قرار داشت. اما شهر بستک دهکده‌ای بیش نبود که گویا کاروانها برای استراحت در آن اتراق می‌کردند.

مهاجرت مشایخ و شیوخ بنی عباس از خنج به بستک که این مسئله به دنبال ترویج مذهب شیعه از طرف صفویان صورت گرفت. این گروه از مشایخ که بازماندگان خاندان بنی عباس بودند، پس از حمله مغول موقعیت خود را در ایران حفظ کردند، اما با شکل‌گیری صفویه که از آموزه‌های شیعی پیروی می‌کردند، مشایخ مذکور که ردای تصوف و جامه طریقت شافعی بر تن داشتند به سمت مناطق دوردست و سنی نشین پناه آوردند و ابتدا لارستان را برای سکونت خویش برگزیدند، اما با نفوذ تشیع در لارستان و واگذاری فارس که لارستان نیز بخشی از آن بود به الله وردی خان، مشایخ بنی عباس راهی جهانگیریه - بستک بعدی - که اهالی آن مذهب تسنن داشتند، شدند. به دنبال حوادث پر آشوب سالهای پایانی سلطنت صفویه در ایران، شیوخ عباسی با در دست گرفتن سلاح، شروع به مداخله سیاسی در لارستان کردند و از این

زمان بود که بستک و جهانگیریه، مرکزیت یافت و به پایگاه سیاسی و مذهبی علیه حکومت لارستان تبدیل گردید. (موحد، ۱۳۸۴: ۲۲-۲۳)

با سقوط صفویه به دست افغان‌ها، متنفذان محلی لار در پی احیای حکومت لارستان برآمدند و از یک سو بر سر جانشینی با همدیگر و از سوی دیگر به منظور کسب استقلال با حکومت مرکزی به نزاع پرداختند؛ مشایخ عباسی از این فرصت برای کسب پایگاه سیاسی، اجتماعی و مذهبی بهره بردند. بدین منظور، شیوخ عباسی پسوند بستکی را به نام خود افزودند تا بدینسان خود را به مردم منطقه نزدیک‌تر سازند.

نخستین کسی که از بنی‌عباس در خنج و اطراف آن شهرتی به دست آورد، حاجی شیخ عبدالسلام خنجی معروف به قطب الاولیاء بود که جد بزرگ مشایخ و خاندان بنی‌عباس بستک به شمار می‌آید. وی از سادات هاشمی بود و نسب خود را به ابن عباس، عموی پیامبر، می‌رساند. شیخ عبدالسلام در سال ۶۶۱ قمری حدود شش سال پس از فتح بغداد به دست مغولان و در زمان سلطنت سلجوق شاه بن سلغر، اتابک فارس، در روستای خنج از توابع لارستان زاده شد و تحصیلات مقدماتی خود را در همانجا به پایان رساند و نخست به مکه و مدینه و سپس به مصر جامع الأزهر رفت و موفق به اخذ درجه اجتهاد و طریقت از مشایخ طریقه قادری و نقشبندیه شد و به زادگاه خود مراجعت نمود. وی که پیرو مذهب شافعی بود، مردم را به تحصیل علوم دینی تشویق و چندین مسجد و مدرسه علوم دینی و مهمانسرا در منطقه بنا نمود. به زودی وی یکی از بانفوذترین چهره‌های مذهبی منطقه شد که حتی بر پیروان یهودی و زرتشتی نیز تأثیر نهاد. (بنی‌عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۱۴-۱۵)

بعد از شیخ عبدالسلام، به ترتیب مولانا شمس‌الدین شیخ محمد، مولانا شیخ عقیف-الدین، بدرالدین شیخ اسماعیل، مولانا شیخ عبدالغنی، مولانا شیخ اسماعیل، مولانا



شیخ جابر، مولانا شیخ محمد، شیخ ناصر بن شیخ محمد، شیخ محمد کبیر، شیخ محمد صغیر و شیخ حسن بستکی به جانشینی‌اش رسیدند.

مولانا شیخ محمد فرزند شیخ جابر اولین فرد از مشایخ بنی‌عباسی است که به اتفاق خانواده خود به بستک آمده و شیخ پس از مدتی به قریه ایلو واقع در دهستان گوده رفته و در آنجا خانقاه و زاویه می‌سازد و در همانجا در سال ۹۰۵ قمری فوت می‌کند و به «شیخ بلند پرواز» معروف است. (همان، ۲۴)

از دیگر شیوخ برجسته و متنفذ بنی‌عباس، شیخ عبدالقادر است که «پیشوای جماعت» بود و از مقام والایی در زهد و تقوی برخوردار بود. وی نقش عمده‌ای در نظم و نسق بخشیدن به زندگی اجتماعی مردم منطقه داشت. در حقیقت پایه گذار سازمان اجتماعی بستک و جهانگیریه براساس حکومت خوانین بوده که تا پایان دوره قاجاریه ادامه داشته است و از این پس است که خوانین بستک به عنوان یک قدرت اجتماعی در خطه لارستان عرض اندام کرده‌اند. شیخ عبدالقادر فرزند شیخ حسن بستکی می‌باشد. شیخ عبدالقادر در بستک آن روز، که در واقع از سه محله نزدیک به هم تشکیل شده بود، دارالعلمی بنا نمود و به تبلیغ مذهب شافعی پرداخت. اما به دنبال آزار و اذیت وی، روانه مکه و مدینه گردید و پس از مدتی در پی اصرار مریدانش به بستک بازگشت و چون مشکلات مردم، ناشی از خشکسالی و کمبود آذوقه و غله را مشاهده کرد، آنها را به حفر چاههای آب و قنوات و کشت و زرع و پرورش دام تشویق و نوعی سیستم زراعت دسته جمعی را موسوم به حراسه‌بندی در بستک معروف است، ابداع نمود که باعث پیشرفت و آبادانی بستک و جمعیت آنجا گشت. شیخ در سال ۱۱۳۶ قمری در گچویه دعوت حق را لبیک می‌گوید. (موحد، ۱۳۸۴: ۳۲-۳۳ و بنی-

عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۳۵-۴۵)

پس از فوت شیخ عبدالقادر که مصادف با اواخر دوره سلطنت صفویه و هجوم افغانها و سرانجام ظهور نادرشاه افشار در ایران بود، شیخ محمد سعید بستکی و شیخ محمدخان بزرگ شروع به مداخله در امور سیاسی نمودند. این دو از نفوذ روحانی و معنوی پدرشان بهره بردند و بر اوضاع لار و جهانگیر مسلط شدند. شیخ محمد سعید به حکومت لار و شیخ محمدخان بزرگ به حکومت جهانگیریه دست یافتند. یکی از علل موفقیت این دو بروز اختلاف میان شیعه و سنی در منطقه بود. شیعیان از پشتوانه حکومتی و به ویژه قزلباشها برخوردار بودند و گروههای سنی مذهب نیز پیرامون شخصیت‌های مذهبی و شیوخ حلقه می‌زدند.

زمانی که اختلافات مذهبی میان شیعیان و اهل سنت در منطقه بالا گرفت، مردم پیرامون شیخ محمد سعید و استادش شیخ احمد مدنی گرد آمدند. با اصرار مردمی که مورد آزار و اذیت قرار گرفته بودند، شیوخ از گوشه زاویه‌ها بیرون آمدند و از جهانگیریه به سمت خنج و سپس به دعوت ملامحمد کرامتی، روانه اوز از توابع لارستان شدند. در آن هنگام محمد علی بگ، حاکم لار بود که از پیشروی شیوخ و مریدانشان آگاه شد و سپاهی را برای مقابله با آنها فرستاد. طی جنگی که در محلی به نام معلم کشمیر در مشرق اوز درگرفت، محمد علی بگ کشته شد و تفنگچیان لار شکست خوردند و شیوخ و هوادارانشان فاتحانه وارد لار شدند و قلعه‌ها پیکر لار را تسخیر کردند. از وقایع زمان او، پناه بردن محمدخان بلوچ به منطقه جهانگیریه بود که در سال ۱۱۴۷ قمری طهماسب‌قلی خان جلایر از سرداران نادرشاه، به تعقیب او به این منطقه آمد، شیخ احمد مدنی در کمشک محمدخان بلوچ را پناه داده بود. طهماسب‌قلی خان شیخ را به اتهام پناه دادن محمدخان بلوچ، دستگیر و به شیراز فرستاد و در آنجا اعدام شد. و همچنین کمشک و فرامرزان را خراب نمود. خان بلوچ بعد از شنیدن دستگیری شیخ احمد، به طرف شیبکوه رفته و از آنجا به جزیره کیش



پناه برد. (بنی عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۹۴-۹۶) شیخ محمدسعید بستکی به مدت دوازده سال، حکومت لار را به عهده داشت تا اینکه در سال ۱۱۵۲ق/۱۷۳۹م درگذشت. اولاد او هنوز هم در بخش جناح از توابع بستک حضور دارند که به شیخان معروفند. (موحد، ۱۳۸۴: ۳۴-۳۶)

ب) دوران تثبیت قدرت بنی عباسیان در جهانگیریه، بندرلنگه و لارستان

همزمان با حکومت شیخ محمد سعید، دیگر برادرش، شیخ محمد خان بزرگ بستکی نیز در جهانگیریه بساط فرمانروایی برپا کرد و برج و باروی محکمی در بستک بنا نهاد. با مرگ محمد سعید حاکم لار، نصیرخان لاری، کلاتر این شهر با کمک پسرعمویش، هادی خان، قدرت را قبضه و به قصد تصرف بستک و جهانگیریه به گوده و صحرای باغ حمله و این دو منطقه را تصرف کرد. شیخ محمدخان به مقابله با وی شتافت که نصیرخان شکست خورد و هادی خان به اسارت درآمد و به قلعه دیده‌بان نزد شیخ محمدخان بزرگ فرستاده شد.

هنگامی که نادر شاه از فتح هندوستان مراجعت کرده بود، عده‌ای از فرمانداران که در غیاب شاهنشاه خدماتی در استقرار امنیت و آرامش مردم انجام داده بودند، به پایتخت احضار شدند و مورد توجه خاص شاه قرار گرفتند. شیخ محمد بستکی هم یکی از این اشخاص بود که به حضور شاهنشاه رسید و با اعطا هدایا و خلعت گرانها به بستک مراجعت کرد و به نظم و نسق و رتق و فتق امور حوزه فرمانروایی خود پرداخت. (بنی عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۱۱۰)

شیخ محمدخان در سال ۱۱۶۸ق/۱۷۵۴م در شیراز به حضور کریم‌خان زند رسید و چون در سرکوبی نصیرخان لاری که علیه خان زند نیز یاغی شده بود، رشادت زیادی از خود نشان داد، مورد نوازش قرار گرفت. اما در این زمان، شیوخ قاسمی (آل قاسم یا جواسم) که در رأس الخیمه فعلی اقامت داشتند، شروع به دست درازی به سواحل

خلیج فارس، به ویژه قشم و بندرلنگه نمودند و به غارت کشتیها پرداختند که در همین زمان خبر آن به کریم خان رسید. خان زند طی فرمانی حکومت جهانگیریه، بندرعباس، بندرلنگه و جزایر خلیج فارس را رسماً به محمدخان بستکی واگذار و وی را مأمور مقابله با جواسم کرد. شیخ محمدخان با کمک دو فرزندش حسن و هادی که در بستک مستقر بودند، حملات خود را علیه جواسم آغاز کردند که در پایان، اعراب مجبور به تسلیم شدند. با این حال شیخ صقر و شیخ راشد آل هاشم موفق شدند با دادن تعهداتی مبنی بر اطاعت از کریم خان، پرداخت حقوق دیوانی و عدم تعرض به یکدیگر، اجازه سکونت و زندگی در بندرلنگه را به دست آورند.

اجاره بندرعباس در دست شیخ محمد بستکی بود و مبلغ ۴۰۰۰ تومان در سال بود. گاه امکان داشت که مبلغ مورد اجاره از مقدار مایحتاج حکومت مرکزی، که معمولاً در مواقع جنگ به صورت غله و آذوقه طلب می شد، به صورت نقد به دیوان مالیاتی ارسال گردد. (کبابی، ۱۳۶۳: ۷۳۳-۷۳۵)

شیخ محمد از سال ۱۱۶۱ قمری به مدت ۲۰ سال تمام مرکز حکمرانی خود را قلعه دیده بان قرار داده بود و هرگز آنجا را ترک نمی کرد و نقشه ها و حملات خود را بوسیله پسرانش حسن خان و هادی خان که در بستک مستقر بودند اجرا می کرد. و حتی یکبار از فرمان کریم خان زند که او را به ترک قلعه دیده بان و آمدن به شیراز دعوت کرده بود، سرپیچی کرد و به مدت هشت ماه به محاصره زکی خان زند و نصیرخان لاری مانده و تسلیم نشد و بر اثر سفارش فرزندش حسن خان یک شب مخفیانه به نزد کریم خان در شیراز رفت. کریم خان، شیخ را مورد عنایت قرار داده و فرمان حکومتی خطه لارستان، بندرعباس و جهانگیریه را به نامش صادر نمود و ماموریت داد که در دفع غائله شیخ عبدالله بنی معین و اعراب خوارج و نجات زکی خان سردار زند که در جزیره هرمز زندانی شده بود، اقدام کند و شیخ این ماموریت خود





را به خوبی در سال ۱۱۸۲ قمری انجام داد. غلامرضا ورهرام در کتاب تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند خود، این واقعه را گزارش می‌دهد ولی ذکری از شیخ محمد بستکی به میان نمی‌آورد که مسئول اصلی مذاکره با شیخ عبدالله بوده که باعث آزاد شدن زکی‌خان از دست شیخ عبدالله و معاوضه او با پسر شیخ عبدالله که در شیراز در گروگان خان زند بود، شده است. (ورهرام، ۱۳۸۵: ۶۱)

غائله دیگر اعراب، چنانچه که ذکر شد مسئله شیخ عبدالله بنی معین بود که شروع به یاغیگری در خلیج فارس و سواحل و جزایر آن کرده بود و همچنین با توطئه‌ای، زکی‌خان، سردار زند، را دستگیر و در جزیره هرموز زندانی کرده بود. کریم‌خان مجدداً طی فرمانی به شیخ محمد خان مأموریت داد که برای پایان دادن به این غائله و همچنین آزادی زکی‌خان زند، دست به کار شود. شیخ را تحت عنوان بیگلریگی در صفر ۱۱۸۳ قمری مشغول به کار شد. (پری، ۱۳۸۲: ۲۳۳) لذا حکومت لارستان، بندرعباس و جهانگیریه و بستک را مجدداً به شیخ محمد خان واگذار کرد. وی موفق شد که به غائله خاتمه دهد و از آنجایی که حکومت خوانین لار نیز از میان رفته بود، شیخ محمدخان از لار تا سواحل و جزایر خلیج فارس را به زیر سلطه خود گرفت. از این زمان بستک مرکز حکومت گسترده‌ای شد که تمامی منطقه را در بر می‌گرفت و شیخ محمد نیز در میان مردم به شیخ محمد دیده‌بان معروف شد. در واقع شیخ به فرمان کریم‌خان زند به عنوان حاکم لارستان و سواحل و جزایر جنوب در بستک مقیم شد. گفته شده که جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی نیز در دوره اقتدار فرمانروایان بستک در حوزه فرمانروایی آنها بوده است. بنابراین، قلمرو شیوخ بستک از شمال شامل لارستان و توابع آن،

از جمله خنج و اوز، از جنوب تا ابوموسی، تنب بزرگ و حوزه آبی پیرامون آن، و از شرق تا کرمان گسترده بود.

شیخ محمد بزرگ که در بستک اقامت داشت، شروع به عمران و آبادانی منطقه، به ویژه تعمیر قلاع بستک و دهاتی که در زمان لشکرکشی نصیرخان لاری ویران شده بود، نمود. همچنین مساجد، آب انبارها و چاههای بسیاری ایجاد کرد و صنایع دستی و تجارت بستک از این دوره رونق گرفت. شیخ، حقوق دیوانی را به وسیله ضابطان خود از کلانتران لار و شیوخ قاسمی بنادر شیبکوه، لنگه و بندرعباس وصول و به خزانه خازند ارسال می‌کرد.

شیخ محمدخان بزرگ ۸۴ سال زندگی نموده و ۴۷ سال از عمر خود را برخلاف اجدادش که در زاویه‌ها گذراندند، در جنگ و حکومت به سر برده است. فوت این شخص بزرگ در سال ۱۱۹۷ قمری در قصبه بستک اتفاق افتاده و جسدش به گچویه منتقل و در بارگاه شیخ عبدالقادر بستکی مدفون شده است. (بنی‌عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۱۱۶-۱۵۷) شیخ محمد بزرگ، نخستین کسی بود که لقب خان را از جانب کریم‌خان زند دریافت کرد. اخلافش نیز که به جانشینی وی حکومت را به دست گرفتند، به جای کلمه شیخ عنوان خان را برگزیدند. (موحد، ۱۳۸۴: ۴۰-۴۱)

هادی خان فرزند شیخ محمدخان بزرگ، بعد از فوت پدرش به حکومت جهانگیریه، بنادر، جزایر شیبکوه و عباسی منصوب شد. دوران وی مصادف با فعالیت آغامحمدخان قاجار و اختلاف و جدال با زندیه بود. وی در لشکرکشی لطفعلی خان زند به لار که منجر به تسلیم پسران نصیرخان در سال ۱۲۰۱ قمری گردید، به حضور لطفعلی خان زند رسیده و فرمان حکومت لارستان و بنادر را از وی دریافت کرده است. خان جهانگیریه پس از دریافت فرمان حاکم کل جهانگیریه و بنادر و جزایر لنگه، عباسی و لارستان و اجازه عوارض گمرکات



عباسی و بنادر و خلعت‌های گرانبها از لطفعلی‌خان زند به مقرر حکومتی خود، بستک مراجعه نمود.

هادی‌خان فرزند ارشد خود را به نام سرتیپ شیخ عبدالنور را با عده‌ای سوار به اتفاق سواران لاری در اجرای فرمان فتحعلی‌شاه قاجار به تهران فرستاد که تحت فرمان عباس میرزا در جنگ‌های ده ساله ایران و روس شرکت جستند. سرتیپ شیخ عبدالنور در این جنگ‌ها به سال ۱۲۱۷ قمری کشته شد و عده‌ای از جماعت لاری و جهانگیریه تلف شده و ما بقی در همانجا سکونت کردند.

هادی‌خان بیشتر وقت خود را در بنادر می‌گذرانده و عوارض گمرکات را از مشایخ مسقط که اجاره اداره امور گمرگ را گرفته بودند، وصول نمودند. شیوخ قطر، ابوظبی، قواسم، عجمان برای شکار و تفریح و ملاقات هادی‌خان به بنادر لنگه رفت و آمد می‌کردند و هادی‌خان که در کاخ خود در گافرخان بین بندر مَغویه و بندر بُستانه زندگی می‌کرد و از آنان پذیرایی شایان می‌نمود. هادی‌خان در سال ۱۲۱۸ قمری در همانجا فوت گردید و مدفون گشت. (بنی‌عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۱۸۴-۱۹۲) محمد رفیع‌خان فرزند هادی‌خان بعد از فوت پدر، امور حکومتی جهانگیریه و بنادر را انجام می‌داد. او از فتحعلی‌شاه قاجار بنا به پیشنهاد والی ایالت فارس، فرمان حکومتی را دریافت کرد. ولی به جای جنگ و جدال، بیشتر به اجرای احکام شرع می‌پرداخت و در مسجد خود خطبه می‌خواند. وی در آخر عمر از امور حکومتی کناره گرفت و به سال ۱۲۳۸ قمری فوت شد و در بستک دفن گشت.

در سال ۱۲۲۴ قمری که صادق‌خان دولو در مراجعت از سرکوبی یاغیان داراب در میان استقبال مردم به بستک آمد. چون در زمان محمدرفیع‌خان مالیات دولت بلاوصول مانده بود، پسرش احمدخان عهده دار وصول و پرداخت مالیات گردید

و در ظرف چند روز کلیه مالیات دیوانی را جمع‌آوری و به صندوقدار صادق‌خان تحویل داد. لذا صادق‌خان هم به پاداش خدمت وی امور انتظامات و جمع‌آوری مالیات دیوانی را به او محول کرد. احمدخان ابتدا کدخدای گوهج به نام تاج‌الدین را که به مخالفت حکومت برخاسته بود، مقتول نموده و سپس یاغیان مراغ را تنبیه نموده و از طریق چاه مسلّم و گردنه کوچی به گُوخرد آمد، در آنجا مشایخ کوخرد را که از مسافرین، خودسرانه راهداری می‌گرفتند، دستگیر و تنبیه نمود و بدین ترتیب در سال ۱۲۲۶ قمری آسایش عمومی را برقرار ساخت.

ابراهیم‌خان قاجار هم که در سنه ۱۲۲۸ قمری به بستک آمده و با صوابدید او محمدرفع‌خان از حکومت مستغنی امور حکومتی بستک و جهانگیریه و بنادر به فرمان ملوکانه و حکم فرماندهی فارس را به احمدخان واگذار کرد. احمدخان از سال ۱۲۲۹ قمری که جوانی بیست و یک ساله بود با دریافت فرمان فتحعلی‌شاه قاجار و رقم فرمانفرمای فارس، رسماً حاکم جهانگیریه و بنادر و جزایر گردید. مولف فارسنامه ناصری معتقد است که احمدخان در سال ۱۲۴۵ قمری به حکومت تمامی خطه لارستان منصوب شده است. (فسایی شیرازی، ۱۳۶۷: ۱۵۱۸) چون لیاقت داشت با برقراری امنیت و آرامش عمومی به پیشرفت امور تجاری و کشاورزی بستک و دهات آن پرداخت.

نصیرخان لاری با بی‌اعتنائی به امورات دیوانی علم استقلال برافراشته بود و در ایصال مالیات دولت تعطل و سهل‌انگاری می‌کرد، حسینعلی فرمانفرمای فارس حکم حکومتی لارستان را به نام احمدخان بستکی صادر کرد و تاکید نمود شهر لار را از قصبه نصیرخان خارج سازد. احمدخان لشکری انبوه از مناطق تحت نفوذش فراهم کرد و به طرف لار رهسپار شد. طی درگیری که با لشکریان نصیرخان پیدا کرد توانست آنها را غلبه نماید و نصیرخان به طرف سبعه و طارم



گریخت. قلعه و باغ نشاط به تصرف احمدخان درآمد و در آنجا بر مسند حکومتی تکیه زد و اعیان و اشراف لار به حضور خود پذیرفت و فرمان ملوکانه و احکام فرمانروای فارس دایر به عزل نصیرخان و نصب احمدخان بستگی به حکومت لارستان قرائت و همگی سر اطاعت و تسلیم را فرود آورده و به وی تبریک و تهنیت گفتند. احمدخان پس از استقرار نظم و آرامش شهر و استحکامات قلعه - جات، عزل و نصب کلانتران و کدخدایان مورد اعتماد شهر لار را به چند محله تقسیم کرد. و کلیه مالیات معوقه ضمن تخفیف جمع‌آوری کرده و به شیراز انتقال داد. و نیز قرار شد که هر ساله در سال ۱۲۴۵ قمری مبلغ ۳۰۰ تومان به خزانه دولت بابت مالیات واریز نماید. و همچنین برادر خود شیخ عبدالهادی به نیابت حکومت گماشت. بعد از مدتی دوباره نصیرخان به لار حمله کرد ولی نتوانست که کاری انجام دهد و شکست خورد و به کوههای اطراف متواری گشت، و بعد در طارم در سال ۱۲۵۴ قمری وفات یافت. احمدخان بزرگ پس از استقرار نظم و آرامش در صفحات لارستان، جهانگیریه، بنادر و جزایر که اقتدار، عظمت و عدالت او شهره شده بود و مورد عنایات شاهنشاه ایران و فرمانفرمای فارس واقع شده بود، در بیست و هفت سال حکمرانی خود بسیار مشهور گردید و در سال ۱۲۶۵ قمری در ۴۷ سالگی فوت نمود و در جوار شیخ عبدالقادر و شیخ محمدخان در گچویه مدفون است. (بنی‌عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۲۰۰-۲۱۸)

پس از فوت احمدخان بزرگ، نخست شیخ محمدخان فرزند ارشد طبق معمول مصدر امور گردید ولی به علت زهد و تقوی و اشتغال به علوم دینی پس از یک ماه از امور حکومتی کناره گرفت و برادرش حاجی مصطفی‌خان به جای او منصوب شد. (موحد، ۱۳۸۴: ۴۵)

حاجی مصطفی خان در سال ۱۲۳۵ قمری در بستک چشم به جهان گشود. و در سال ۱۲۶۵ قمری به سمت فرمانداری جهانگیریه، لستان، لنگه و بنادر شیبکوه و جزایر تابعه منصوب گردید. به رتق و فتق امور و استقرار امنیت و آسایش مردم حوزه جمعی خود پرداخت و بلافاصله به تمام حوزه حکومتی خود سرکشی نمود. یاغیان و متمردين را سرکوب و متعدیان را تنبیه نموده و کلانتران و کدخدایان لایق و رعیت دولت را تعیین نمود. سال اول بطور کلی مردم را از پرداخت مالیات دیوانی را معاف کرد و بعدها مالیات معمولی را وصول و به خزینه دولت ایصال می شد.

زمانی که مصطفی خان بستکی به سرکشی و نظارت بلوکات خود مشغول امور انتظامی داخلی بود، علی خان پسر عبدالله خان که با نصیرخان به سبعه متواری شده بودند، چون خبر فوت احمدخان بستکی حاکم لار را شنید، با نیروهای خود لار را متصرف می شود و به شیراز می رود و با تقدیم پیشکش های فراوان و تعهدات و تمسکات لازم، حکم حکومتی لار را از والی فارس دریافت می کند و حاکم لار می شود، حکومت وی حدود دو سال طول می کشد و در سال ۱۲۵۸ قمری در لار فوت می کند. بعد از فوت وی اختلاف شدیدی بین خوانین لار ایجاد می شود. محمدعلی خان برادر علی خان به شیراز رفته و حکم لار را دریافت می کند و به حکومت لار می رسد، اما نصرالله خان پسر علی خان به دعوی حکومت عموی خود برخاست و بعد از چند درگیری که نتیجه ای برایش رقم نخورد، عازم تهران می شود و فرمان حکومتی لار را از محمدشاه قاجار دریافت و به لار برمی گردد. محمدعلی خان که حاکم لار بود، اجازه ورود نصرالله خان را به لار نمی دهد. نصرالله خان لار را محاصره می کند ولی نتوانست کاری از پیش ببرد و از مصطفی - خان بستکی استمداد خواست، مصطفی خان هم از نظر اینکه فرمان شاه در دست



نصرالله خان دید، به کمک او شتافت و لار را به تصرف در می آورند و محمدعلی - خان کشته می شود و نصرالله خان در باغ نشاط جلوس می کند و حاکم لار می شود. وی به پاس این خدمت خان بستک، متقبل و متعهد می شود تا وقتی که حاکم لار باشد، مالیات جهانگیریه را خود به خزینه دولت بپردازد. ولی حکومت او دوامی نداشت و پس از یک سال از طرف صاحب اختیار والی فارس، عده ای قشون به لار آمدند و نصرالله خان از ترس اینکه مبادا دستگیر شود، به طرف سبعه جات فرار نمود. (بنی عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۲۳۱-۲۳۳) در سال ۱۲۶۰ قمری طی حکمی از طرف میرزا محمدنبی خان، فرمانروای کل لارستان، سبعه جات و بنادر جنوبی به حاجی مصطفی خان واگذار نمود.

وقتی نصرالله خان به حکومت لار رسید، میرهاشم کلانتر اوز مورد توجه خان لار قرار گرفت و با مردم اوز به خشونت و ظلم و ستم رفتار می کرد. هرگاه مردم اوز، از او نزد خان لار شکایت می بردند، خان لار طرف کلانتر اوز را می گرفت و به خواست مردم بی توجه بود، و کلانتر ظلم و تعدی بیشتری بر مردم روا می داشت. تا اینکه تعدادی از ریش سفیدان اوز نزد مصطفی خان رفتند و از او کمک طلبیدند، وی نیرویی را به اوز فرستاد، و اوزی ها با کمک بستکی ها توانستند میرهاشم را شکست دهند و کلانتر متعهد گردید که به هیچ وجه دست تعدی و اجحاف به طرف مردم دراز نکند، و اموالی که از مردم گرفته را مسترد سازد. اما میرهاشم پس از چند سال دوباره با مردم سازش نکرد، حتی در انجام به امورات دولتی و پرداخت مالیات دیوانی خودداری نموده تا اینکه تحت تعقیب حکام قرار گرفته و ناچاراً به قلعه کوه پرویزه حوالی قریه اوز پناه برد. فیروز میرزا فرمانروای فارس در سال ۱۲۶۶ قمری با قشونی انبوه و مجهز برای تعقیب پسران نصیرخان و علی خان لاری به سبعه جات رفت و سردارش، جعفرقلی خان را برای انتظام به لار

فرستاد، وی توانست میرهاشم را از قلعه پرویزه پایین آورد و نزد فرمانروای فارس برد و فیروز میرزا میرهاشم را اعدام نمود. در سال ۱۲۶۷ قمری بیشتر اوزی‌ها به بستک مهاجرت کردند و در جوار حکومت بستک و جهانگیریه سکونت اختیار کردند. در سال ۱۲۶۸ قمری فیروز میرزا حکم می‌دهد که اوزی‌هایی که به بستک مهاجرت کردند به منطقه خود برگردند، ولی اوزی‌ها راضی نشدند و به مامور مزبور صریحاً جواب دادند که سکونت ما در بستک زیر نظر مصطفی‌خان خیلی بهتر از قریه اوز بوده و به آنجا بر نمی‌گردیم و فقط تعدادی از روی اجبار به اوز رفتند. (بنی عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۲۳۴-۲۴۵) هنوز هم در بستک، محله‌ای به نام محله اوزی و محله‌ای به نام محله خوری وجود دارد و خودشان هم کامل بستکی شده‌اند. (عباسی، ۱۳۷۲: ۲۵)

در جمادی‌الاول سال ۱۲۷۰ قمری طهماسب میرزا زمانی که به خطه لار سفر کرده بود و مصطفی‌خان نزد وی شرفیاب شده بود، رقمی صادر نمود، که امر حکومت، ضابطی، حواله و دریافت مالیات و متوجهات دیوانی به وی داد و قرار گذاشت که خان بستک هر ساله مبلغ ۵۸۰ تومان مالیات و متوجهات خود را به طهماسب میرزا تحویل دهد. فرمانی از ناصرالدین شاه در دسترس نگارنده می‌باشد که مربوط به زمانی می‌باشد که انگلیسیها به بندر بوشهر و محمره حمله کرده و برای حفاظت از مرزی بنادر لنگه و عباسی و هم آمادگی نیروی مجهز زیر نظر مصطفی‌خان، حاکم جهانگیریه، بنادر و جزایر صادر شده است.

حاجی مصطفی‌خان در سال ۱۲۷۱ قمری بندرعباس را به تصرف در آورد که از سال ۱۲۱۰ قمری تا ۱۲۷۰ در تصرف حکام مستقط بود. حاکم مستقط که نمی‌توانست از بندرعباس چشم‌پوشی کند، با اعزام نماینده مخصوص خود به تهران و با پیشکش و هدایای گرانبها و افزایش مال‌الاجاره، عوارضات گمرگات



بندرعباس را عقد و قرارنامه را تجدید و از مرحوم ناصرالدین شاه فرمانی را دریافت نموده و بندرعباس را به تصرف خود در آورد و انتظامات و رتق و فتق آن را به محمدعلی کبابی واگذار کرد و بعداً هم در سال ۱۲۷۷ قمری به پیشنهاد حاکم به موجب حکم طهماسب میرزا نیابت حکومتی بندرعباس به حاجی احمدخان پسر حاجی محمدعلی کبابی محمول شد. در سال ۱۲۸۳ قمری که سلطان مسقط درگذشت و پسرش صیدسالام جای وی نشست، مبالغ زیادی بر عوارض و مالیات گمرگی و عبور و مرور بندرعباس افزود و چون طاقت فرسا بود، مردم را تحت فشار آورده و به همین خاطر عده‌ای از تجار و ریش‌سفیدان به بستک آمده و به وسیله مصطفی‌خان، شکایت خود را به دربار ناصرالدین شاه و فرمانفرمای فارس به عرض رسانیدند، در آن هنگام بود که حسام‌السلطنه فرمانفرمای فارس کلیه لارستان و سبعه و صفحات جنوب و بندرعباس را به مهدی‌قلی میرزا واگذار کرده و او را قبلاً به لار اعزام داشته و خود او هم با قشون عظیم و مجهزی به لار آمد و مصطفی‌خان را به لار احضار و امر کرده که سیصد نفر تفنگچی و نوکر که از کدخدازادگان و معارف بستک و جهانگیریه هستند به نیروی مهدی‌قلی میرزا بپیوندد و همچنین دستور داده که حکومت بستک و محال آن به مصطفی‌خان بستکی واگذار بشود و به او مأموریت داد که قبل از حرکت لشگرش با جمعیت و تفنگچیان خود به بندرعباس برود. و مصطفی‌خان با کمک مهدی‌قلی میرزا توانستند بندرعباس را تصرف کنند و حسام‌السلطنه با جاه و جلال وارد بندرعباس شد. (بنی‌عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۲۵۱-۲۵۳)

مصطفی‌خان عرضی را پیش فرمانفرمای فارس می‌برد و در سال ۱۲۸۴ قمری، حسام‌السلطنه رقمی برای مصطفی‌خان صادر می‌کند که در آن از مهدی‌قلی میرزا حکمران لارستان، سبعه و بندرعباس می‌خواهد که به قضیه تصرف غضبانه، توسط

عامه مردم در مورد زمین های خان و مشایخ بستک، واقع در میستان، عیسین، دنگ، سرخان، کشار و کهورستان رسیدگی کند و بر طبق قانون و رجوع به مرافعه و شرع نماید، تا حق کسی پایمال نشود.

در سال ۱۲۹۷ قمری زلزله ای جهانگیریه را لرزاند که مرکز آن جناح بوده و باعث تلفات جانی و خسارات مالی شد و مصطفی خان شخصاً به آنجا رفته و کمک های فراوانی به آنها نمود. مصطفی خان بستکی پس از چهل و چهار سال حکمرانی بستک و جهانگیریه، بنادر لنگه، شیبکوه و جزایر تابعه، در روز ۱۲ ربیع الاول سال ۱۲۹۹ قمری در بستک جهان فانی را بدرود گفت و در همانجا دفن گردید. وی مردی ادیب، دانشمند و ادب پرور بود و در شعر و شاعری هم طبع روانی داشت و تخلص او «فایز» بود. (بنی عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۲۵۵-۲۶۰)

در فارسنامه ناصری سال فوت مصطفی خان ۱۲۸۰ و اند بیان می کند (فسایی شیرازی، ۱۳۶۷: ۱۵۱۸) ولی چون زلزله ای که در سال ۱۲۹۷ قمری در جهانگیریه رخ داد و مصطفی خان شخصاً به کمک آنها شتافته است و حتی قصیدای در سوگ این وقایع گفته است، مشخص می گردد که خان تا سال زلزله در قید حیات بوده و مولف فارسنامه ناصری اشتبهاً سال وفات او را بیان کرده است.

پس از حاجی مصطفی خان بر سر امر حکومت و جانشینی پدر بین دو نفر از فرزندان وی محمدرفیع متولد ۱۲۵۵ قمری و احمدخان متولد ۱۲۶۰ قمری اختلاف افتاد که احمدخان با کمک فتحعلی خان گراشی توانست نظر مردم را به خود جلوه گر کند و شیخ عبدالله بن شیخ راشد مدنی شیخ لاور، شمشیر حکومت مصطفی خان را به دوش احمدخان حمایل کرد و عصا و عمامه را مولانا شیخ حسن مدنی بدست محمدرفیع خان به سر او گذاشت، محمدرفیع خان نظر به ارادت خاصی که به شیخ لاور داشت، از کار برکنار رفت و احمدخان حاکم جهانگیریه





شد. وی امور انتظامی و امنیت طرق و شوارع را کاملاً برقرار ساخت و در سال ۱۳۰۴ قمری هنگامی که برای نماز عصر به مسجد می‌رفت به ضرب گلوله به قتل رسید و به احمدخان شهید معروف گشت. بعد از این واقعه محمدرفعی‌خان حکومت خود را اعلام کرد و سراخانه، احمدخان و پدرش را بتصرف درآورد. (فسایی شیرازی، ۱۳۶۷: ۲۶۲-۲۶۳)

پس از مدتی در سال ۱۳۰۵ قمری محمدتقی‌خان فرزند سوم مصطفی‌خان، برادرش را دستگیر و به نام قاتل برادر به شیراز اعزام داشت و خود اداره امور را بعنوان نایب‌الحکومه که از طرف والی فارس به وی واگذار شده بود به عهده می‌گیرد و به صولت‌الملک ملقب می‌شود. وی ۴۱ سال یعنی تا سال ۱۳۴۶ قمری حکمرانی داشت. صولت‌الملک مردی متین، سیاستمدار، مردم‌دار و باتدبیر بود. او با فتحعلی‌خان حاکم لار روابط حسنه داشت و دستورات فرمانفرمای فارس و مامورین عالی دولت را به خوبی اجرا می‌کرد. زمان او مصادف با سلطنت ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه و نهضت مشروطیت ایران بود. حکومت قوام‌الملک و فرزندش محمدرضاخان قوام‌الملک و سرکوبی شورش قواسم بندرلنگه به دست دریابویی حکمران بوشهر از وقایع زمان او است. صولت‌الملک در سن ۷۴ سالگی و در سال ۱۳۴۶ قمری مصادف با دومین سال سلطنت رضا شاه پهلوی در باغ شخصی خود فوت و همانجا به خاک سپرده شده است. کاخ بزرگ حکمرانی وی در مرکز شهرستان بستک پابرجا است و مردم بستک با لهجه خود که «ق» را «ک» تلفظ می‌کنند و نام او را «مدتکی خان» یاد می‌کنند. (موحد، ۱۳۸۴: ۴۷-۴۹)

محمدرضاخان فرزند ارشد محمدتقی‌خان در سال ۱۲۹۸ قمری به دنیا آمد. وی بر اثر لیاقت و شایستگی مورد توجه فرمانفرمای فارس قرار گرفت و در حال حیات پدرش به حکمرانی لار از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۷ قمری منصوب می‌شود و

بعداً نیز در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ قمری حاکم بندرلنگه می‌گردد. پس از فوت پدر، حکمرانی بستک را عهده‌دار می‌شود. سطوت‌الممالک در سال ۱۳۴۲ قمری به اتفاق رضاقلی خان بیدشهری از طریق جویم به شیراز رفته و جزیره کیش را که به نام جزیره قیس مشهور بود از میرزا ابراهیم خان قوام‌الملک خریداری می‌نماید. محمدرضا خان آخرین فرد از دودمان مشایخ بنی‌عباسی است که در بندرلنگه، لار و بستک حکومت کرده است. او دارای پنج پسر بوده که در بین آنها محمداعظم - خان بنی‌عباسیان به عنوان خان بزرگ، آخرین فرد متنفذ این خاندان بوده است و با فوت او در تابستان ۱۳۴۶ شمسی (۱۳۸۷ قمری) و با توجه به اینکه اجرای قانون اصلاحات ارضی به طور کلی سیستم حکومت فئودالیزم را محکوم نمود به دوران حکمرانی ۲۵۰ ساله بنی‌عباسیان که با ورود شیخ محمدکبیر در سال ۹۳۸ قمری به بستک و حکومت عملی شیخ محمدخان بزرگ از ۱۱۳۰ قمری شروع شده بود، پایان داده شد. (موحد، ۱۳۸۴: ۴۹-۵۳)

در پایان حکومت جهانگیریه، محمدرضا خان بنی‌عباسی معروف به سطوت - الممالک بستکی در سال ۱۳۱۲ شمسی در ادامه حاکم بودنش به عنوان نخستین بخشدار جهانگیریه نیز بود. بعد از تصویب قانون تقسیمات کشوری جدید در سال ۱۳۱۶ شمسی اولین بخشدار بستک شخصی به نام ملک الکلامی بوده است. (موحد، ۱۳۸۴، ۱۱۳) و در سال ۱۳۸۰ شمسی احمد حبیبی به عنوان آخرین بخشدار بستک به سمت اولین فرماندار شهرستان بستک منصوب شد. شهرداری در بستک در سال ۱۳۳۰ شمسی دایر گردید و اولین شهردار بستک مصطفی‌قلی خان عباسی بوده است. (حبیبی، س ۲۸، ش ۲۵۹۶، صفحه پایانی)

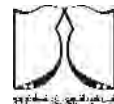


نتیجه گیری

موقعیت جغرافیایی بستک و جهانگیریه نقش عمده‌ای در شکل‌گیری و تثبیت قدرت خاندان بنی‌عباسیان داشته است. در دوران شکل‌گیری قدرت بنی‌عباسیان، نقش مشایخ بنی‌عباسیان بسیار مهم بوده است. شیخ محمد بلندپرواز اولین فرد از مشایخ بنی‌عباسی بوده که به قریه ایلو واقع در دهستان گوده جهانگیریه وارد شده و در آنجا خانقاه و زاویه ساخته که مورد توجه مردم آن منطقه قرار گرفته است. شیخ عبدالقادر که در حقیقت پایه‌گذار سازمان اجتماعی بستک و جهانگیریه بر اساس حکومت خوانین بوده، نقش مهمی در شکل‌گیری قدرت این خاندان داشته است. مشایخ بنی‌عباسی از زهد و تقوی برخوردار بودند و معمولاً به تبلیغ مذهب خود می‌پرداختند و با قدرت و نفوذی که داشتند مشکلات مردم را حل و فصل می‌نمودند و این کارها باعث شده بود که در دل مردم منطقه جهانگیریه جا افتاده باشند و از محبوبیت زیادی برخوردار بودند.

در دوران تثبیت قدرت بنی‌عباسیان در جهانگیریه، بندرلنگه و لارستان نقش خوانین بنی‌عباسی؛ که از شیوخ بودن به خان بودن رسیده بودند، بسیار تاثیرگذار بوده است. این خوانین که حاکم منطقه نیز بودند در پی قدرت گرفتن و ایجاد امنیت و آرامش برای رعایای خود بودند. این حاکمان همیشه تحت فرمان دولت مرکزی بودند و هیچگاه علیه دولت مرکزی شورش نکردند و حتی علیه آنها اقدامی نکردند. در دوره کریمخان زند، شیخ محمدخان که اولین خان بنی‌عباسی می‌باشد، نقش مهمی در تثبیت قدرت بنی‌عباسیان ایفا نمود. وی با همکاری و همراهی با خان زند توانست به مقام حاکمی جهانگیریه، لشتان، عیسین و آن مناطق برسد. وی دست به عمران و آبادانی منطقه زد و

تجارت در جهانگیریه را رونق داد. هادی خان، فرزند ارشد خود با نیروهایش را به جنگ ده ساله ایران و روس فرستاد. احمدخان بزرگ بخاطر توانایی که از خود نشان داده بود به حکومت تمامی خطه لارستان رسید. وی با برقراری و آرامش عمومی به پیشرفت امور تجاری و کشاورزی جهانگیریه کمک فراوانی نمود. مصطفی خان به سمت فرمانداری جهانگیریه، لارستان، لشتان، لنگه و بنادر شیبکوه و جزایر تابعه منصوب گردید و در این دوره اوج قدرت خاندان بنی عباسیان بود. بعد از مصطفی خان بر سر قدرت در خاندان بنی عباسی اختلاف شدیدی بوجود آمد که شروع کم شدن قدرت این خاندان می باشد. آخرین فرد از دودمان بنی عباسیان که به حکومت جهانگیریه، بندرلنگه و لار رسید، محمدرضاخان بود. سطوت الممالک آخرین خان بنی عباسی و اولین بخشدار بستک و جهانگیریه است. بر طبق اسناد موجود از این خاندان، این دودمان نقش بسیار مهم و اساسی در تحولات منطقه جنوب کشور و در کرانه و پس کرانه خلیج فارس داشتند. چیزی که از اسناد موجود به دست می آید فرمانبری کامل از دولت مرکزی توسط این خوانین بوده و این خاندان پاسدار منطقه جنوب کشور بوده اند.



منابع

- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۸). شناخت استان هرمزگان، تهران: هیرمند.
- اقتداری، احمد (۱۳۷۱). لارستان کهن و فرهنگ لارستانی، تهران: جهان معاصر.
- بنی عباسیان بستکی، محمداعظم (۱۳۳۹). تاریخ جهانگیریه و بستک، بکوشش عباس انجم روز، تهران: [بی‌نا].
- پری، جان. ر (۱۳۸۲). کریم خان زند، ترجمه علی محمد ساکی، تهران: آسونه.
- حبیبی، احمد، «شهرستان تاریخی بستک را بهتر بشناسیم»، نشریه صبح ساحل، س ۲۸، ش ۲۵۹۶.
- حبیبی، حسن و محمدباقر وثوقی (۱۳۸۷)، بررسی تاریخی، سیاسی و اجتماعی اسناد بندرعباس، تهران: بنیاد ایران شناسی.
- سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی (۱۳۶۳). بندرعباس و خلیج فارس، تصحیح احمد اقتداری، تهران: دنیای کتاب.
- _____ (۱۳۷۱). سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان، تهران: جهان معاصر.
- عباسی، مصطفی قلی (۱۳۷۲). بستک و جهانگیریه، تهران: جهان معاصر.
- محمدباقر وثوقی و دیگران (۱۳۸۵). تاریخ مفصل لارستان، ج ۱-۲، تهران: همسایه.
- موحد، جمیل (۱۳۸۴). بستک و خلیج فارس، تهران: بال کبوتران.
- نوربخش، حسین (۱۳۸۱). «برکه‌های آب در سواحل خلیج فارس»، فصلنامه فرهنگ و مردم، سال ۱، ش ۲.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۸۵). تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند، تهران: معین.